

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجنیر سید مختار دریا
۳۰ نومبر ۲۰۱۹



بهارستان وحدت



زخلق دیو شب فواره زد فریاد خون پالا
زجنگ جنگ دیو شب پیروز برگردیده رزم آرا
برون شد طلعت یوسف جمال جلوه گر والا
به شور افکنده بلبل کبک و ساری را همه یکجا
پیام آور بود هدهد ز بلقیس جهان آرا
سلیمانی کند بر خلق با فرمان ما اوحا (اوحی)

سحر از خاوران چون تیغ برق افشان بشد پیدا
افق با نیزه زرین و تن آغشته در خوناب
زچاه ظلمت و گردنفرازیهای تاریکی
زنورش یافت رونق عرصه گیتی در آن ساعت
همه سرمست و رقصانند بر هر شاخه از شادی
چو بر تخت زمرد تکیه زن شد زاده داود

عروس گلرخ و گلچهره باغ و چمن آرا
که تا دورت کند از هستی و اوهام ناپیدا
که اینجا آتش نمرود می خواهد خلیل الله
همان انبان خالی از نجابت پیش خلق الله
جوانان وطن شیران سرافرازند در هر جا

قبا پوش است از گلبرگ ناز نسترن درباغ
بیا ای محتسب زن جرعه زاین جام مرد افکن
مپیچان بار دای زیف پیکر بین میخواران
مجو در کوچه های کذب راهی را که پر سازی
طلوع شمس وحدت شد نمایان و تو در خوابی



زتاجک بشنو آن ایثار در اعماق میدانها
بیا آئی ددمنش دشمن نگر این شاخص والا را
به پای دشمن میهن که می سوزاندت هر جا
که همدم گشته با او قلعه شمشاد سربالا
که هر سنگش بود سنگر در این منظومه غرا
شنو افسانه از داکتر برایدن تا شوی دانا
به وقت همرسی باهم چو دیوار از جسد بالا
که دارد در فلاخن سنگ مرگ اور غضب پیم
که ببند پرچم وحدت به خاک میهنش بالا

مگو از یک هزاره پشه ئی ایماق وپشتونم
بلوچت شیرگران بازوی ترکت به هر میدان
چه شرم آگین بود سرخم نمودنهایت ای ابلیس
ز پامیر و ز و اخانم پیام وحدتم بشنو
در این میهن شنو افسانه هائی از فدا کاری
ز انگلیس و زجیش و قدرتش در این خراب آباد
اگر صد بار این میهن به هم جنگیده می آیند
ز سنگ وچوب این میهن بترس ای چاکر بدکیش
به آن امید دریا می شمارد لحظه عمرش

"مختار دریا" ۲۶ نومبر ۲۰۱۹ کانادا